

دو فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی / ویژه نامه پنجمین کنفرانس بین المللی علوم، حقوق، مدیریت و اقتصاد / شماره هفتم / زمستان ۱۴۰۰ / ص ۵-۲۱

نقد و بررسی شبهات مستشرقان پیرامون وحی مکی و مدنی^۱

هدیه مسعودی صدر^۲

چکیده:

یکی از مباحث مهم قرآن، موضوع وحی مکی و مدنی است که مورد توجه دانشمندان اسلام و نیز مستشرقان قرار گرفته است. برخی از مستشرقان با اهدافی مغرضانه وحی مکی و مدنی را مطالعه و در بررسی‌های خود تلاش می‌کنند که الهی و وحیانی بودن آیات و سور مکی و مدنی را نفی و برای آنها منشأ بشری فرض کنند. اینان برای باورند که قرآن از محیط اجتماعی عصر نزولش تأثیر پذیرفته است و در واقع جوامع، شرایط و احوال بشری به نحوه‌ی بیان مطالب و محتوای قرآن شکل و جهت داده است. مستشرقان برای رسیدن به این هدف، شبهات متعددی را ساخته و پرداخته‌اند.

این نوشتار که به روش کتابخانه‌ای تدوین شده است با ارائه شبهات مستشرقان پیرامون وحی مکی و مدنی در دو دسته: «شبهات مربوط به اسلوب وحی مکی و مدنی» و «شبهات پیرامون محتوای این وحی» آنها را از سوی قرآن پژوهان مسلمان بررسی و نقادانه پاسخ داده است که: سرچشمه‌ی شبهات مستشرقان پیرامون آیات و سور مکی و مدنی را باید در ویژگی‌های خاص وحی مکی و مدنی که در همه احوال، به مقتضای حال، فضای موجود در جامعه سخن گفته، جستجو کرد که باعث گردیده مستشرقان به تعارض میان آیات مکی و مدنی نظر دهند.

کلید واژه ها: وحی مکی و مدنی، شبهات، مستشرقان، اسلوب آیات، محتوای سور.

^۱ - تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

^۲ - عضو هیات علمی گروه معارف دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، H.masoudisadr@scu.ac.ir

طرح مسئله

هدف از نزول قرآن کریم، دستیابی به پیام‌های آن و رسیدن به سعادت و کمال است. حق تعالی در پی اهداف تربیتی و با در نظر داشتن ویژگی‌های مخاطبان قرآن، از روش‌های بیانی مختلفی استفاده نموده است. دو شهر مقدس مکه و مدینه، مهبط و فرودگاه وحی آیات الهی بوده‌اند. دوره‌های مکی و مدنی تفاوت عمده‌ای با یکدیگر دارند و ویژگی‌های هر دوره در وحی قرآنی نیز منعکس شده است. به همین جهت وحی مکی و مدنی و همچنین وحی ابتدای هجرت با وحی سالهای آخر هجرت، هم در مضمون و هم در آهنگ الفاظ متفاوت است. مسائلی که در طی سالهای مختلف رسالت مطرح می‌شوند نیز گوناگون هستند، اما همه‌ی این تفاوت‌ها چه در بافت کلمات و حیانی و چه در معانی آیات، با یک هدف نازل شده‌اند و در همه موقعیت‌ها دعوت اسلامی به خوبی انجام شده‌است.

مغرضان و دشمنان اسلام از آغازین روزهای نزول قرآن، آن را مورد انتقاد قرار داده و همواره کوشیده‌اند منبع قرآن کریم را زمینی و بشری قلمداد کنند. تفاوت‌های وحی مکی و مدنی باعث شده است، مغرضان و دشمنان اسلام از آن در جهت اثبات ادعای خویش - مبنی بر این که قرآن، کتابی غیر الهی و غیر وحیانی است - بهره برده و شبهاتی را بر کتاب مقدس قرآن کریم وارد کرده‌اند. از این رو قرآن را تابع و متأثر از محیط و جو حاکم بر عصر نزولش معرفی کرده و در پی اثبات این عقیده مغرضانه خویش‌اند که اسلام مجموعه‌ای تأثیرپذیرفته از مسیحیت و یهود است که این تأثیرپذیری در مکه آغاز می‌شود و تا وفات پیامبر(ص) در مدینه ادامه می‌یابد. بنابراین با اتخاذ یکسری مبانی و اصول و برای نیل به اهداف نادرست خود، شبهاتی را پیرامون آیات مکی و مدنی قرآن مطرح کرده‌اند.

پیشینه و گستره‌ی بحث

عده‌ای از خاورشناسان معتقدند که در متن قرآن دو شیوه متعارض مشاهده می‌شود که هیچ گونه ارتباطی باهم ندارند. پژوهش‌های مستشرقین پیرامون قرآن، به گونه‌ای است که عقیده‌ی موهوم آنها مبنی بر غیر وحیانی بودن قرآن کریم را اثبات نموده و آن را ساخته و پرداخته‌ی محمد(ص) و متأثر از مسیحیت و یهود قلمداد می‌کند. در این زمینه می‌توان: هنری لامانس، کارل بروکلمان، رایموند شارل، غوستاف فون، آندری میکال، کازانوف، لوئیس ماسینیون، نولدکه، گلدزیهر، بلاشیر، لامنز(زید عمر عبد الله، بی‌تا) ص ۸ و ۱۱؛ عمر بن ابراهیم رضوان، (۱۴۱۳)، ج ۲، ص ۵۷۸؛ برنارد لوئیس یهودی، مونترگروی وات، ریچارد بل(زمانی، ۱۳۸۷) ص ۱۴۴ و ۱۴۵) را نام برد که پژوهش‌های قرآنی خود را بر اساس این عقیده بنیان نهاده‌اند. انگیزه تأثیرپذیری قرآن از تورات یا انجیل در قرن نوزدهم میلادی برجستگی بیشتر یافت و بررسی و پژوهش در این باره، رنگ علمی به خود گرفت(بدوی، ۱۳۸۳)، ص ۳۶.

هدف مستشرقان، این است که قرآن را به گونه‌ای قلمداد کنند که متأثر از مزاجها و طبیعت‌های فراوانی است و این آن چیزی است که تناقض را پیش می‌آورد(فضل، ۱۳۷۹)، ص ۱۰۴. خاورشناسان تفاوت‌های میان وحی مکی و مدنی را دلیلی بر وجود دو قرآن: مکی و مدنی بیان کرده‌اند که به لحاظ اسلوب و مضمون با هم متفاوت هستند. بلاشر در کتابش «المدخل الی القرآن الکریم» این نظر را ترویج کرده‌است(زید عمر عبد

الله، (بی تا)، ص ۱۳) هرشغلد نیز تفاوت بین آیات و سور مکی و مدنی را به دلیل تحولی می داند که در مؤلف قرآن کریم (پیامبر (ص) بوجود آمده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸)، شماره ۶، ص ۱۱۴).

شبهات در خصوص آیات و سور مکی و مدنی

شبهات مطرح شده در خصوص آیات و سور مکی و مدنی را می توان در سه دسته مطرح کرد:

الف) شبهات مربوط به اسلوب و روش وحی مکی و مدنی؛

ب) شبهات مربوط به محتوا و مضمون آیات مکی و مدنی قرآن؛

ج) شبهاتی که هم به لحاظ اسلوب و روش و هم محتوا و موضوع قابل بررسی اند.

دسته اول: مربوط به اسلوب و ساختار وحی مکی و مدنی

شبهه اول: تمایز وحی مکی به قصر و ایجاز

آیات و سور مکی کوتاه و موجز است در حالی که آیات و سور مدنی، طولانی و مفصل اند، مانند: سوره ی بقره، سوره ی آل عمران و سوره ی نساء؛ و علت این تمایز تأثیرپذیری محمد (ص) از محیط مکه و مدینه است، زیرا جامعه مکی، جامعه ای امی (بیسواد) بود و پیامبر (ص) این امکان را نداشت که به شرح، بسط و تفصیل مفاهیم بپردازد؛ اما در جامعه متمدن مدینه، چون مردم مدینه در ارتباط با اهل کتاب بودند، این امکان برای او فراهم شد. این تمایز میان مکی و مدنی (زرقانی، ۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۷۸، حکیم، (۱۴۱۷)، ۸۶؛ ابوشبیه، (بی تا) ص ۲۱۱؛ غازی، (۱۴۲۱)، ص ۷۹؛ زید عمر عبد الله، (بی تا)، ص ۱۳؛ معرفت، (۱۳۸۷)، تاریخ قرآن، ص ۵۴ باعث شده است، آیات و سور مکی عاری از زیبایی اسلوب و فصاحت و بیان باشد (غازی، ۱۴۲۹)، ص ۸۳.

پاسخ شبهه:

۱- کوتاهی و ایجاز، در خصوص آیات و سور مدنی، نیز مطرح می باشد، مانند: سوره نصر، زلزله، بینه و طولانی و مفصل بودن سور و آیات نیز تنها مختص آیات و سور مدنی نیست و آنها، سوره های طولانی یافت می شود، مانند: سوره انعام و اعراف. پس اگر بگوییم این ویژگی، صفت غالب آیات و سور مکی است به صواب نزدیکتر است.

۲- کوتاهی و بلندی کلام تابع مقتضای حال است (زرقانی، ۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۷۹؛ معرفت، (۱۳۸۷)، تاریخ قرآن، ص ۵۴) احوال مخاطب اقتضا می کرد که آیات و سور مکی در عین عظمت، کوتاه و موجز، و آیات و سور مدنی طولانی و مفصل نازل شود (غازی، ۱۴۲۹)، ص ۸۰.

۳- اهل مکه بیشتر از همه قبائل به فصاحت و بلاغت آشنا بودند (زرقانی، ۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۷۹) برتری قریش در سخنوری و شعر و هنرنمایی در سبک های گوناگون معروف بود. در شعر و نثر، عرب نزد آن داوری می کردند. هنگام گرد آمدن عرب در مراسم حج، و انبوه مجامع ادبی و جشنواره های سالانه که در عکاظ و مجنه و ذی المجاز برگزار می شد، قریش از زبان آنها، آن چه را شیوا و از سبک های نیکو بود، برمی گزید (ابوشبیه، بی تا)، ص ۲۱۲.

۴- کاربرد ایجاز، مظهر هوش و ذکاوت مخاطب است و کاربرد غالب ایجاز و اقتصار در آیات و سور مکی به دلیل بلاغت و فصاحت مخاطبان آن است (زرقانی، ۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۷۸. ایجاز یکی از توانایی ها بر تعبیر و از

مظاهر اعجاز قرآن کریم می‌باشد و این عیب یا نقص برای آیات و سوره مکی به شمار نمی‌آید، بلکه تحدی قرآن کریم به سوره‌ی کوتاه بلیغ تر از تحدی به سوره‌های مفصل و بلند است (حکیم، ۱۴۱۷)، ص ۸۶ و ۸۷.

۵- باید توجه داشت که امر آیات توقیفی است و تنها رسول خداست که پایان هر آیه را روشن می‌سازد (فضل، ۱۳۷۹)، ص ۳۲.

شبهه دوم: تمایز وحی مکی به قسم و سوگند

در آیات و سوره مکی به امور محسوسی چون «ضحی»، «شمس»، «قمر»، «نجوم»، «فجر»، «عصر»، «لیل»، «نهار»، «تین»، «زیتون»، قسم یاد شده است که متأثر از محیط مکه است، زیرا مردم آن امی بودند و درک آنها از سطح این امور حسی فراتر نمی‌رفت. این نحوه‌ی قسم ویژه‌ی جوامع و فرهنگ‌های بدون برهان و استدلال گریز است. اما اهل مدینه که مردمی با فرهنگ بودند، به تأثیر از محیط آنها، قرآن کریم در محتوای خود شامل قسم به محسوسات نیست (زرقانی، ۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۸۲؛ ابوشبیه، (بی‌تا)، ص ۲۲۱؛ غازی، (۱۴۲۱)، ص ۸۱؛ زرقانی، (۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۸۲.

پاسخ شبهه:

۱- ادعای این که محیط مکه امی است و درک آنها از ماوراء حس فراتر نمی‌رود، ادعایی بدون دلیل است که واقعیت و تاریخ آن را رد می‌کند، زیرا اهل مکه دارای ذوق کاملتر و شعور و احساسی لطیف‌تر از اهل مدینه بودند و تاریخ دادگرانه‌ترین داور و بهترین شاهد بر امتیاز و برتری قریش بر سایر قبایل در دوران نزول قرآن است (ابوشبیه، (بی‌تا)، ص ۲۲۱؛ زرقانی، (۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۸۲).

۲- آیات و سوره مکی تنها شامل قسم به محسوسات نیست و خداوند در آیات و سوره مکی به معقولات و ماوراء محسوسات نیز قسم خورده است. مانند: «یَسَّ وَ الْفُرَّانَ الْحَکِیْمَ» (یس/۲۱) (یس به قرآن کریم سراسر حکمت سوگند)؛ قسم به فرشتگان: «وَ النَّازِعَاتِ غَرَقًا وَ النَّاسِطَاتِ نَسْطًا» (نازعات/۲۱) (به فرشتگانی سوگند که ارواح مجرمان را به شدت از بدن‌های شان برمی‌کشند و فرشتگانی که ارواح مؤمنان را با مدارا و نشاط جدا می‌سازند)؛ قسم به نفس: «وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّهَهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» (شمس/۸) (و سوگند به جان آدمی و آنکس که آنرا با چنان نظام کامل بیافرید و در اثر داشتن چنان نظامی خیر و شر آن را به آن الهام کرد)؛ قسم به جان: «لَعَمْرُکَ اِنَّهُمْ لَفِی سَکْرَتِهِمْ یَعْمَهُونَ» (حجر/۷۲) (به جان تو ای محمد که قوم نامبرده در مستی خود آنچنان بودند که نمی‌فهمیدند چه می‌کنند)؛ قسم به خداوند: «فَو رَبِّکَ لَنَسَلْنَهُمْ اَجْمَعِیْنَ» (حجر/۹۲) (به پروردگارت سوگند از همه آنها سؤال خواهیم کرد)؛ «فَلَا اُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ اِنَّا لَقَادِرُونَ» (معارج/۴۰) (پس به پروردگار همه مشرقها و مغربها سوگند که ما قادریم)؛ «فَلَا اُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ / وَ مَا لَا تُبْصِرُونَ» (حاقه/۳۸ و ۳۹) (قسم به آنچه (از آثار حق) می‌بینید/ و آنچه نمی‌بینید)؛ قسم به زمان: «وَ الْعَصْرِ» (عصر/۱) (قسم به عصر و روزگار).

۳- قسم به محسوسات، دلیل حکمت‌هایی از آفرینش و اسرار، عجایب و شگفتی‌هایی است که این پدیده‌ها در خود دارند که مشاهده کردن آنها انسان را به سمت ایمان به خالق و بوجود آورنده و اذعان به آنچه رسول خدا (ص) به آن آمده است سوق می‌دهد، نه بخاطر محسوس بودن آنها.

۴- قسم به امور حسی از باب رعایت مقتضی حال است و یاد آوری و تذکر به شواهد آفرینش و نعمت‌هایی که اهل مکه را در بر گرفته بود تا اینکه به ویژه عقاید شرک را از اذهان آنها بزدايد و ذهن آنها را به این حقیقت که خداوند آفریننده همه چیز است، متوجه کند(غازی، ۱۴۲۱)، ص ۸۱؛ زرقانی، (۱۴۱۵)، ج ۱ ص ۱۸۲).

شبهه سوم: کاربرد الفاظ مبهم در وحی مکی

محتوای این شبهه به دو شکل بیان شده است:

الف) آیات و سور مکی با الفاظی آغاز گردیده که معنی آنها روشن نیست.

آیات و سور مکی شامل شمار زیادی از کلام لغو در فواتح سور است، معانی این حروف قابل فهم نیست و حتی راسخین در علم هم قادر به فهم آنها نیستند. مانند: «الم، حم، طسم، کهیعص، حم عسق و...»، پس خطاب به آنها هیچ معنا و فایده‌ای ندارد و تحصیل حاصل است. به همین دلیل قرآن کریم شایسته نیست که کتاب هدایت، بیان و رحمت برای مردم باشد، زیرا آنچه بیهوده و مهمل است نمی‌تواند هدایت و بیان باشد(ابوشبیه، بی‌تا)، ص ۲۲۳؛ غازی، (۱۴۲۱)، ص ۱۰۸).

همچنین گفته شده، الفاظ مذکور را یهودیانی که کاتب محمد بودند، نهادند تا این که توسط آن‌ها پایان کلام و آغاز عبارت دیگر را خاطر نشان کرده باشند. در واقع معنای حروف مقطعه چنین است: «محمد مرا فرمان داد یا محمد مرا امر کرد»(زرقانی، (۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۸۶).

پاسخ شبهه:

۱- ادعای بی معنی بودن این الفاظ، ادعای کسی است که از آراء علما در این باره بی اطلاع است، نظر علما در بحث حروف مقطعه مبنی بر دو رأی است:

الف) معنای این حروف از اسراری است که علم آن خاص خداوند است و این از حکمت‌های اوست که آزمایش و امتحان بندگان است تا خوب و بد آنها را مشخص کرده و مؤمن را از منافق متمایز سازد.

ب) فواتح سور معنای مشخصی دارند، زیرا قرآن کریم کتاب هدایت است و هدایت جز به فهم معانی امکان پذیر نیست. کسانی که بر این عقیده رفته‌اند، در بیان معنی این حروف چندین شاخه شده‌اند و نظرات متفاوتی در این زمینه بیان داشته‌اند. برای مثال گفته شده: این واژه‌ها برای اسکات شنوندگان در زمینه سازی برای ابلاغ وحی بوده است؛ همچنین عده‌ای آنها را، نشانگر اعجاز قرآنی عنوان کرده‌اند، بدین معنا که قرآن خواسته است بگوید آنچه ما آوردیم مرکب از این حروف است؛ بنگرید و مانند آن را بیاورید(ابوشبیه، بی‌تا)، ص ۲۲۵؛ زرقانی، (۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۸۸. سید قطب در این خصوص می نویسد: «این حروف اشاره ای است که قرآن از جنس همان حروفی تألیف یافته که در دسترس مخاطبین عرب می باشد و با این وجود، قرآن معجزه ای است که آن‌ها نمی‌توانند از این حروف مانند آن را بسازند»(سید قطب، (۱۴۱۹)، ج ۱، ص ۳۶).

۲- اشتمال قرآن کریم بر کلماتی که معنی آنها ظاهر نیست و یا اینکه خداوند علم آنها را خود به مخصوص کرد منافاتی با کتاب هدایت بودن قرآن کریم ندارد(زرقانی، (۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۸۶؛ ابوشبیه، بی‌تا)، ص ۲۲۴).

ب) حروف مقطعه برای انذار و یا رمزی است برای تشخیص مصاحف صحابه

شبهه واردکنندگان استدلال می‌کنند که حروف مقطعه در آغاز سور مکی برای انذار است و یا این حروف به این دلیل آمده است که رمزی برای تشخیص مصاحف مختلف در نزد اعراب بوده است و گذر زمان آنها را

وارد قرآن کرد و جزء قرآن به حساب آمدند. مثلاً: «کهیص» رمز برای مصحف ابن مسعود است و «حم عسق» رمز برای مصحف ابن عمر و مانند آنهاست (ابوشبیه، بی تا، ص ۲۲۳). برخی از نصاری افراط کرده، گفته‌اند: حروفی هستند که کاتبان وحی در آغاز هر سوره قرار داده‌اند (ابوشبیه، بی تا، ص ۲۲۳؛ غازی، (۱۴۲۱)، ص ۱۰۸).

پاسخ شبیه:

۱- این ادعا که حروف مقطعه الفاظی هستند برای انذار یا این که آنها رموزی برای مصاحف بودند و مرور زمان آنها را جزو قرآن کریم کرد، ادعایی است که براساس علم نمی‌باشد، زیرا بین دو امر است که ثبوت هر کدام به نفی دیگری می‌انجامد، چنانچه این حروف به قصد ترساندن باشند، لازمه‌اش این است که پیامبر(ص) آنها را بر زبان رانده و در زمانش بوده‌اند و رمز بودن آنها مستلزم این است که پیامبر(ص) به آنها نطق نکرده و در عهد ایشان نبوده‌اند (ابوشبیه، بی تا، ص ۲۲۵).

۲- تاریخ بر آن گواه است که در میان کاتبان وحی، کاتبی از یهودیان وجود نداشت (زرقانی، (۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۸۶) این در حالی است که صحابه و تابعین به شدت به قرآن کریم توجه داشتند و بر حفظ آن حرص می‌ورزیدند و زمانیکه مصاحف را نوشتند اهتمام خاص بر تجرید آنها از هر آنچه غیر قرآن کریم بود داشتند.

۱-۴- تمایز وحی مدنی به دلیل و برهان

در آیات و سوره مکی هیچگونه منطق و برهان نیست و به گریز از استدلال و مناقشه متمایز می‌شوند، بر خلاف آیات و سوره مدنی؛ زیرا محمد(ص) در مدینه کنار اهل کتاب زندگی می‌کرد و این ویژگی نتیجه‌ی تأثیرپذیری او از آنان است (زرقانی، (۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۹۵، حکیم، (۱۴۱۷)، ص ۸۸؛ ابوشبیه، بی تا، ص ۲۱۶؛ غازی، (۱۴۲۱)، ص ۹۴؛ معرفت، (۱۳۸۷)، تاریخ قرآن، ص ۲۴) تأثیرپذیری پیامبر(ص) از یهود در مدینه و بهره بردن از فرهنگ آنها و احکام و تشریعاتی که یهود داشتند، گمانی است که در ذهن مستشرقانی چون گلدزیهر وجود دارد (زید عمر عبدالله، بی تا، ص ۲۲).

پاسخ شبیه:

۱- با توجه به اینکه در هر یک از محیط‌های مکه و مدینه حضرت محمد(ص) دشمنانی داشت که در پی ابطال دعوتش بودند، باید آنها را بر ورود این شبیه بر قرآن کریم از محیط مقدم بدانیم که با آن به ابطال دعوتش همت گمارند (زرقانی، (۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۹۵).

۲- این در حالی است که برخی قرآن را به وصف پاسخگویی به استدلال‌های قوی توصیف کرده‌اند که در تناقض با این شبیه است (بدوی، (۱۳۸۳)، ج ۲، ص ۵۸۴).

۳- آیات و سوره مکی خالی از ادله و برهان نیست و این ویژگی را در سوره و آیات مکی می‌توان مشاهده کرد. شواهد قرآن کریم براین مطلب گواهند: «مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَ لَعَلَىٰ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ» (مومنون/۹۱) (خدا هیچ فرزندی برای خود نگرفته است، و هیچ معبودی با او نیست [اگر جز خدا معبودی بود] در این صورت هر معبودی [برای آنکه به تنهایی و مستقل تدبیر امور کند] آفریده‌های خود را با خود می‌برد [و از مدار تصرف دیگر معبودان خارج می‌کرد] و بر یکدیگر برتری می‌جستند. منزّه و پاک است خدا از آنچه [او را به آن] وصف می‌کنند). و

آیات: (جاثیه/۲۱-۲۲)، (طور/۳۵-۳۶)، (مومنون/۶۰-۶۴)، (یس/۷۹-۸۳)، (احقاف/۳۳)، (فرقان/۷ و ۲۰)، (انبیاء/۷)، (انعام/۷۴-۸۳) و غیر آنها.

۴- آیات و سوره مکی به شکل اساسی پایه‌های شرک و بت پرستی، مبانی فکری و روحی آن و پیامدهای اخلاقی و اجتماعی آن را درمان کرد و از طرفی در برابر انحراف، کفر، عصیان، جهل، عدوان، کبر و خونریزی، زنده به گور کردن دختران، اباحه ی نوامیس، خوردن مال یتیم و نقض موازین و قطع رحم و غیر آن از وجوه صحیح و غیر آن سخن گفت (حکیم، ۱۴۱۷)، ص ۹۱-۹۲ قرآن در مکه و مدینه به یک اندازه به بیان استدلال و اقناع بالغین پرداخته است (عمر ابراهیم رضوان، ۱۴۱۳)، ج ۲، ص ۵۸۵.

۵- دلایل و براهین آیات و سوره مکی بیشتر در زمینه‌ی الهیات، ایماناست (زرقانی، ۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۹۶؛ غازی، (۱۴۲۱)، ص ۹۴ و ۹۵. در سوره‌ی مومنون که سوره‌ای مکی است چنین وارد شده که محال است برای خداوند شریکی باشد یا اینکه این جهان بیشتر از یک خالق داشته باشد، زیرا در آن صورت بین آنها اختلاف شده و ملک و مملکت را بین خود تقسیم می کردند (مومنون/۹۰)، در سوره انبیاء که مکی است دلیل بر تباهی زمین و آسمان، در صورتی که در آنها خدایان متعدد شوند، اقامه شده است (انبیاء/۲۲) همچنین بر صدق عقیده‌ی الوهیت در توحید دلیل اقامه کرده است (انبیاء/۲۴) و (نمل/۶۴). سوره‌ی قلم که از سوره مفصل مکی است، قرآن کریم عقول را به صیغه استفهام انکاری مخاطب قرار داده و بیان میکند که خداوند بین مسلمانان مومن و کافران مجرم را یکسان قرار نداده است (قلم/۳۵-۳۹) و در سوره لقمان که آن هم مکی است حجت را بر کسی اقامه می کند که خود را برای خداوند، درحالی که نیکو کار است، خالص کند او را به پیروزی و نجات بشارت می دهد و حجت بر علیه آنکه کفر ورزد با بشارت او به عذاب سهمگین، اقامه میکند (لقمان/۲۲-۲۴). در سوره‌ی قاف که سوره‌ای مکی است قرآن کریم حجت بعث و حشر در روز قیامت را ثابت میکند (ق/۹-۱۱) و در سوره یس قرآن کریم تفسیرهای غلط آنها را در مورد کیفیت اعاده‌ی دوباره خلق آنها از استخوانهایی مرده، پودر شده و نابود شده را به دلیل و برهان آفرینش اول آنها که بر خداوند آسان بود، رد می کند (یس/۷۸ و ۷۹). سوره‌ی عنکبوت و انبیاء که جزء آیات و سوره مکی است، خداوند صدق نبوت پیامبر (ص) را، به دلایل دعوت و کتابی که نازل شده و بر آنها تلاوت میشود، ثابت کرده و یادآوری می کند (عنکبوت/۵۱ و ۵۲).

۶- مقتضای حال و مقام آن است که شیوه ارائه دلایل و براهین، در مدینه قرآن با مخاطبانی مانند اهل کتاب، مواجه گردد که اندیشه‌هایی پیچیده و منحرف و ناموزون دارند، پیچیده‌تر و مفصلتر باشد و زمانی که دعوت در مکه با مشرکان عرب مواجه بود، دلایلی که قرآن کریم بوسیله آنها با آنان مواجه می کرد، دلایلی وجدانی بود که ممکن بود عقل آن دلایل را درک کند و به وضوح عقیده بت پرستی آنها را باطل می کند (حکیم، ۱۴۱۷)، ص ۹۰ و ۹۱.

۷- اگر واقع امر همان چیزی باشد که مستشرقین می پندارند که پیامبر (ص) از محیط مکی و مدنی تاثیر پذیرفته است و این تاثیر سبب تفاوت‌هایی میان آیات و سوره مکی و مدنی شده، چرا این تفاوت را در حدیث پیامبر نمی بینیم؟ چنانچه در نزد آنها مصدر قرآن کریم و حدیث یکی است؟! در حالی که همچنین ادعایی مبنی بر وجود حدیث مکی و مدنی نیست (زید عمر عبدالله، بی تا)، ص ۲۸.

دسته دوم: شبهات مربوط به محتوا و مضمون وحی مکی و مدنی

شبهه اول: از همگسیختگی و عدم ارتباط وحی مکی و مدنی

شبهه واردکنندگان در راستای پیشبرد اهدافشان به این شبهه متوسل می‌شوند که میان اجزای قرآن کریم گسیختگی است و هیچ ارتباطی میان آنها نیست. آیات و سوره مکیدجا و بی ارتباط با آیات و سوره مدنی است (زرقانی، ۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۷۷.

پاسخ شبهه:

گویاترین دلیل بر رد این گمان آن است که عالمان بلاغت از دشمنان اسلام در مکه، زمان نزول قرآن کریم نتوانستند چنین اتهامی بر آن وارد کنند (زرقانی، ۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۷۷.

۱- قرآن مجموعه‌ای است که هر کس در آن با دیده انصاف نظر کند، از نظر اسلوب و سبک بیان، از شیوه‌های مختلف بهره گرفته است، به گونه‌ای که آیات آن گاه کوتاه و موزون و برای انذار و تبشیر و گاه بلند و بدون فاصله و برای بیان احکام شریعت است، اما اشتراک آن در اسلوب نیز به گونه‌ای است که در مجموع این کتاب را از حتی احادیث معصومین (ع) متمایز می‌سازد.

۲- از نظر محتوایی نیز به رغم آن که قرآن به موضوعات متنوع پرداخته است، اما همه آن همچون دانه‌های تسبیح حول یک محور، که همان محور توحید است، گرد آمده‌اند.

۳- بعضی آیات مکی در سوره مدنی و عکس آن نیز وجود دارد که در هر دو صورت هماهنگی و انسجام در سوره یافت می‌شود، گویی سوره یکجا نازل شده است که آشکارا دلالت بر ارتباط کامل بین آیات و سوره مکی و مدنی دارد (حکیم، ۱۴۱۷)، ص ۸۶؛ زرقانی، ۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۷۸.

۴- آیات قرآن کریم به تدریج و در موقعیت‌های مختلف نازل شده است، هر مجموعه‌ای از آیاتش به جهت مناسبتی خاص نازل شده‌اند، در میان هریک از آنها رابطه‌ای برقرار است که از آن تعبیر به سیاق و مناسبت موجود بین مجموعه آیات، تعبیر می‌شود (معرفت، التمهد، ج ۵، ص ۲۳۹) در این زمینه علما سخنان زیادی گفته‌اند و در تفاسیر شان از مناسبات آیات بحث کرده‌اند (زرقانی، ۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۷۸.

شبهه دوم: تمایز آیات و سوره مدنی به تشریح و قانونگذاری

آیات و سوره مکی شامل تشریح، قانونگذاری و احکام ن می‌باشد ولی در آیات و سوره مدنی این ویژگی مشهود است و این به تعبیری تأثیرپذیری از محیط و شرایط اجتماعی است. جامعه‌ی مکه جامعه‌ای متمدن نبود؛ برخلاف جامعه مدنی که تا حد زیادی از فرهنگ و دانش ادیان آسمانی چون یهود و نصاری تأثیر پذیرفته بود و این امر دال بر این تأثیر پذیری قرآن از محیط است (زرقانی، ۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۸۰؛ حکیم، ۱۴۱۷)، ص ۸۷؛ ابوشبهه، (بی‌تا)، ص ۲۱۹؛ غازی، ۱۴۲۱)، ص ۸۹؛ معرفت، ۱۳۸۷)، تاریخ قرآن، ص ۵۴. برای مثال گفته می‌شود تشریح روزه عاشورا به تأثیر از یهود و نصارا است و سپس به روزه‌ی رمضان نسخ شد (غازی، ۱۴۲۱)، ص ۱۰۳؛ النعیم، ۱۴۲۹)، ص ۵۰؛ همچنین تعیین قبله در نماز به سمت بیت المقدس به تأثیر از یهود و نصارا است و سپس به سمت مسجد الحرام نسخ شد (غازی، ۱۴۲۱)، ص ۱۰۳؛ النعیم، ۱۴۲۹)، ص ۶۴) فلهاوزن بر این نظر است که تغییر قبله از بیت المقدس به مسجد الحرام را به دلیل تبعیت و تقلید از یهود می‌داند (النعیم، ۱۴۲۹)، ص ۶۴.

پاسخ شبهه:

- ۱- خداوند وحی مکی را به آنچه مهم است آغاز می‌کند. اصلاح قلوب و پاک کردن آنها از شرک و پلیدی و تقویت آنها به ایمان درست و توحید از آن جمله است و چنانچه بر این مبدا استوار شوند، در آن صورت آنها را به سمت فضائل اخلاق و اصول آداب و عاداتهای نیکو رهنمود می‌شود و سپس آنها را به تکلیف مکلف کند. مخاطبان به تدریج به این تعالیم خود را ترقی داده و آماده شدند، لذا زمانی که به مدینه هجرت کردند تفصیلات احکام و قوانین بر آنها نازل شد (زرقانی، ۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۸۱؛ غازی، (۱۴۲۱)، ص ۸۴.
- ۲- آیات و سوره مکی، کاملاً خالی از تشریح و قانونگذاری نیستند، بلکه به طور موجز به تشریح اصول عام و مقاصد دین پرداخته‌اند.
- ۳- در آیات و سوره مکی، مانند (انعام/۵۱-۵۲)، بررسی‌های زیاد، از قانونگذاریهای اهل کتاب وجود دارد که دلالت دارد، قرآن کریم از این قانونگذاریها و غیر آنها آگاهی داشته است.
- ۴- در زمینه تأثیرپذیری از اهل کتاب باید گفت: فرهنگ اسلامی از هر جهت بالاتر و ولاتر از فرهنگ آنان است و تشریحی عام، برای همه زمانها و مکانها و برای همه انسانهاست. در حالی که تشریح اسرائیلی مخصوص اقوام خاصی است و زمان آن موقت و محدود به زمان خاص و شرایط و ویژگی‌های لازم را ندارد تا به عنوان اصل تشریحی عام تلقی شود (ابوشبیه، بی‌تا)، ص ۲۲۰ و ۲۲۱؛ زید عمر عبدالله، (بی‌تا)، ص ۲۶.
- ۵- وجود کم تشریح و احکام در آیات و سوره مکی و کثرت آن در آیات و سوره مدنی به جهت رعایت احوال مخاطبین است که به اصلاح عقیده قبل از احکام پرداخته و به توحید قبل از تشریح و به ایجاز در تفصیل پیش از اطناب (ابوشبیه، بی‌تا)، ص ۲۱۹؛ غازی (۱۴۲۱)، ص ۹۱ و ۹۲. آیات و سوره مکی به دلیل شرایط و مقتضیات خاص دعوت اسلام شامل تفصیلات احکام نیست، زیرا در آن مرحله اسلام زمام احکام و امور را بدست نداشت؛ ولی این امر در مدینه عکس محیط مکه است (حکیم، ۱۴۱۷)، ص ۸۷ و ۸۸. این امری بدیهی است که آیات و سوره مکی ابتدا مردم را در عقاید مورد خطاب قرار دهد و پس از اصلاح عقاید آنها، به تشریحات مفصل مکلف شوند و عمل به احکام حلال و حرام را بر آنها واجب شود.
- ۶- تشریح در بدو وصول پیامبر (ص) به مدینه آغاز نشد و چگونه می‌توان پذیرفت که پیامبر (ص) به این سرعت از فرهنگ مدینه و اهل آن، یهود، احکام و شرایع آنها تأثیر پذیرفته است، در حالیکه تعامل انسان، جامعه و فرهنگ جدید به سرعت میسر می‌شود و برای تأکید کلام کافی است نظری به مهاجران به کشورهای دیگر بزنیم و رنج و سختی که این افراد از عدم تعاملی که با این کشورها دارند را ببینیم (زید عمر عبدالله، بی‌تا)، ص ۲۲.
- ۷- خداوند در آیات قرآن بر تحریف تورات و تلاعب آنها با احکام تصریح کرده است (همو، ص ۲۳): «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَتْ رَأْيًا بِهٍ ثَمَّنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (بقره/۷۹) (پس وای بحال کسانی که کتاب را با دست خود می‌نویسند و آنگاه می‌گویند این کتاب از ناحیه خداست تا باینوسیله بهایی اندک بچنگ آورند پس وای برایشان از آنچه که دست‌هاشان نوشت و وای بر آنان از آنچه بکف آوردند).
- ۸- چنین امتی گمراه چگونه می‌تواند محل اطمینان باشد و لازم است که رهبر امت آنها را از امتی و میراث آنها بازدارد، چنانچه پیامبر (ص) این کار را کرد: عمر به نزد رسول خدا (ص) آمد و گفت: ما احادیثی

از یهود می‌شنویم که اعجاب انگیز است آیا صلاح می‌دانید آنها را بنویسم؟ پیامبر(ص) فرمود: من برای شما شریعتی روشن و پاکیزه آورده‌ام هر گاه موسی زنده می‌بود جز پیروی از من یارای امر دیگری نداشت. آیا شما آنچنان که یهود و نصاری متحیر هستند در دین خود متحیر هستید؟ تا زمانی که آن را از یهود و نصاری بگیری؟! و معنی سخن او این است که اگر او داشت از اهل کتاب علمی اخذ شود(مجلسی، ۱۴۰۳)، ج ۳۰، ص ۱۷۸ - ۱۷۹).

۹- وجوب روزهی عاشورا، در آیات و سور مکی و مدنی ذکر نشده است و علمای حدیث تصریح می‌کنند، روزهی عاشورا امری شناخته شده نزد قریش قبل از اسلام بود(غازی، ۱۴۲۱)، ص ۱۰۴؛ فضل، ۱۳۷۹)، ص ۱۳۵) از طرفی پیامبر(ص) آیین اسلام را چنان محکم و سخت ساخت که متلاشی و از هم گسیخته نگردد تا زیر دست و فرمانبردار دیگران نشود. پس روزه عاشورا را دوست داشت، چون روزه عبادت و بندگی خداست و موقوف به یک آیین نیست.

۱۰- اگر پیامبر(ص) آن گونه که ادعا می‌کنند روزهی عاشورا را به تقلید از یهود تشریح کرده است، چرا پیامبر(ص) به آن اکتفا نکرد و خود را به روزهی رمضان به زحمت اندازد؟! روزه رمضان از ارکان اسلام است و روزهی عاشورا در واقع سنتی بود که پیامبر آن را بوجود آورد(النعم، ۱۴۲۹)، ص ۲۳۵). روزه یهودیان تابع برخی شرایط ویژه تاریخ یهود است که موسی (ع) فرمان روزه آن را داده است، روز آمرزش و کفار است و روزه یهودی، هیچ ارتباطی با روزه اسلامی ندارد(بدوی، ۱۳۸۳)، ص ۱۰۹).

۱۱- اینکه پیامبر(ص) برای جلب رضایت یهود، بیت المقدس را قبله قرار داده بوده است. پس باید گفت، نادرست خواهد بود که محمد(ص) در مکه، به خاطر جلب رضایت یهودیان، قدس را به عنوان قبله، تعیین کرده باشد، زیرا پیش از هجرت، ضرورت جلب رضایت یهودیان احساس نمی‌شد!

۱۲- تغییر قبله، تغییری بود که حکمت الهی در تکلیف آن را اقتضا کرده و هیچ ارتباطی به دشمنی یهود با پیامبر (ص) ندارد و شرایع آسمانی هرگز به هوس انسان ترتیب اثری نداده است. علاوه بر این بین تغییر قبله و موضع گیریهای سیاسی در مدینه، رابطه‌ای دیده نمی‌شود چه اگر این گونه بود تنها به تغییر قبله منجر نمی‌شد؛ بنابراین تغییر قبله در نتیجه دشمنی یهود با مسلمانان نبوده است و چنان که ثابت شده است دشمنی یهود در سال ۶۲۵م شروع شد، در حالی که تغییر قبله در سال ۶۲۳م بوده است(غازی، ۱۴۲۱)، ص ۱۰۴ و ۱۰۵) و اگر قرآن و اسلام از طبایع و مزاجها اطاعت مینمودند، سزاوارتر و عاقلانه تر آن بود که این توجه در مکه به سوی خود کعبه و به خاطر خشنود ساختن جامعه مکی جاهلی باشد زیرا قرآن دل مکیان را بدست می‌آورد. پس رو کردن به طرف بیت المقدس در مکه و در جامعه ای بوده که یهود هیچ نوع تأثیری در آن نداشته است(فضل، ۱۳۷۹)، ص ۱۳۶).

شبهه دوم: ذکر اهل کتاب در وحی مدنی

در آیات و سور مکی ذکری از اهل کتاب نیست، به این دلیل که آنها در مکه زندگی نمی‌کردند؛ اما در مدینه چون اهل کتاب حضور دارند، لذا در آیات و سور مدنی ذکر آنها وجود دارد. و این دلیل بر تألیف قرآن کریم توسط حضرت محمد(ص) و به تأثیر از اهل کتاب است(غازی، ۱۴۲۱)، ص ۹۲).

بررسی شبهه:

- ۱- این که در آیات و سور مکی به طور مطلق ذکری از اهل کتاب نیامده، سخن باطلی است. لذا درست تر آن است که گفته شود: ذکر اهل کتاب کمتر آمده است (غازی، ۱۴۲۱)، ص ۹۲.
- ۲- از طرفی مکه تماما از اهل کتاب خالی نبود و سور و آیات مکی متعددی وارد شده است که در آنها ذکر اهل کتاب آمده است.
- ۳- کثرت ذکر اهل کتاب در آیات و سور مدنی از قبیل رعایت حال مخاطبین است، چون اهل کتاب در مدینه بیشتر از هر جای دیگر جزیره العرب زندگی می کردند (غازی، ۱۴۲۱)، ص ۹۳.

شبهه سوم: تمایز وحی مدنی به ذکر قصص

در آیات و سور مدنی وجود داستان و قصص مشهود و از ویژگی‌های آن است، ولی در آیات و سور مکی داستان و قصص نیامده است و دلیل آن تأثیر پذیری پیامبر (ص) از اهل کتاب و گرفتن داستانهای ابراهیم (ع)، رابطه انساب بین اسماعیل و قوم عرب از اهل کتاب است (غازی، ۱۴۲۱)، ص ۹۹.

پاسخ شبهه:

- ۱- این شبهه از سخیف ترین شبهات است که با رجوع به قرآن کریم تکذیب و رد می شود، چون در قرآن کریم این امر نتیجه عکس خواهد داشت. سور مکی، سوری هستند که به کرات، داستانهای تورات را به دقت و تفصیل بیان کرده اند.
- ۲- اعراب در جزیره العرب و در مکه بالذات حریص ترین مردم در وقوف بر دانش انساب بوده اند (غازی، ۱۴۲۱)، ص ۱۰۰. چنان که سور و آیات مکی مملو از قصص انبیاء، رسل و اقوام آنهاست و بسیاری از این سور پیامبر (ص) را دعوت به پیروی از ملت ابراهیم میکند: سوره اعراف: در مورد حضرت آدم آیات ۱۱-۲۵ و در مورد موسی آیات ۱۰۲-۱۷۶؛ سوره یونس: در مورد موسی آیات ۷۵-۹۲؛ سوره هود: در مورد نوح آیات ۲۵ تا ۴۹ و در مورد ابراهیم و لوط آیات ۶۹-۸۲؛ سوره یوسف: در مورد یوسف؛ سوره حجر: در مورد آدم و ابراهیم و لوط آیات ۲۶ تا ۲۷ و غیر این آیات ذکر شده است.

شبهه چهارم: محدودیت دعوت اسلام در وحی مکی

در نظر گلدزیهر، پیامبر (ص) تا زمانی که در مکه بود دعوت او به خویشان و نزدیکان و مردم مکه محدود بود اما وقتی که به مدینه آمد، افق دعوت او وسیع تر گشت و همه مردم عالم، موضوع دعوت او قرار گرفتند. سخنان پیامبر در مدینه تغییر میکند و جنگجو و سیایتمدار می شود. اسلام در مکه مجموعه تعالیم دینی بود که پیامبر آنها را در جامعه‌ای کوچک پرورش داده بود و شکل دقیقی نداشت، اما قرآن در مدینه دارای نظام و شکل منظم می شود و روحیه‌ای دفاعی به خود می گیرد (گلدزیهر، بی تا، ص ۱۶ و ۱۷). همچنین بروکلمان هدف نهایی محمد (ص) را تسلط بر سرزمین‌های عرب می داند (النعمیم، ۱۴۲۹)، ص ۵۹ و وات آن را تنها خاص قریش می داند (همان) آنان معتقدند که پیامبر (ص) ابعاد و حدود دعوت خویش را نمی دانست و به همراه شرایط و مقتضیات زمانش پیش می رفت (النعمیم، ۱۴۲۹)، ص ۵۹.

پاسخ شبهه:

۱- اگر چه افعال پیامبر(ص) تا حدودی به تدریج بوده و آن به این دلیل است که احکام به یک دفعه نازل نمی‌شود، اما این به آن معنی نیست که پیامبر(ص) ابعاد دعوت خویش را نمی‌دانست(النعیم، ۱۴۲۹)، ص ۹۸.

۲- نامه‌های دعوت پیامبر به امپراتوران بزرگ روم و ایران و.. ثابت می‌کند که غیر از سرزمین عربستان وی جاهای دیگر را می‌شناخته است. تعداد نامه‌ها به شاهان و بزرگان اقوام ملل را به ۳۱۶ نامه رسانده‌اند(ربیع نتاج، ۱۳۸۱)، ص ۱۲۱.

۳- گلدزیهر تکرار کننده سخن خاورشناسان و مسیحیانی است که با استفاده از منابع ضعیف و برداشتهای نادرست از قرآن، چون اسلام را سد راه استیلای غرب بر شرق می‌دانند می‌خواهند با انواع خدعه و نیرنگ این دین را تضعیف کنند حضرت مسیح در فلسطین به دنیا آمد و اکنون پیروانش در مغرب زمین و فلسطین بیشتر است. اکثر مردم اروپا و آمریکا مسیحی هستند بودا در هند متولد شد، اما میلیونها نفر از مردم چین و سرزمین‌های دیگر به آیین وی گرویده‌اند. مکه نیز که مهد پیغمبر اسلام بود این دین را در آغاز پذیرا نشد ولی مدینه فرسنگها از این شهر فاصله داشت از آن استقبال کرد بنابراین فکر و اندیشه و فرهنگ مرز نمی‌شناسد و این معقول نیست که بگوییم، چون اسلام که در سرزمین عربی برخاست مخصوص عربهاست(نتاج، ۱۳۸۱)، ص ۱۱۱-۱۱۳.

۴- در قرآن مجید آیاتی است که نزول آنها در مکه و قبل از هجرت بوده است و در عین حال جنبه جهانی دارد(نتاج، ص ۱۱۲) «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا»(فرقان/۱)(منزه و پاک است آن خدایی که(هر سوره از) قرآن را (پس از سوره و هر آیه را پس از آیه‌ای) بر بنده خود (محمد(ص) فرو فرستاد تا برای جهانیان (جن وانس) ترساننده (از عذاب خداوند) باشد).

جهانی و همگانی بودن دین اسلام در آیات دیگر نیز بیان شده است: «وَأَوْحِي إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لَأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ»(انعام/۱۹)(این قرآن(از جانب خداوند) بر من وحی شده تا با آن شما و کسی را که این قرآن به او برسد(از عذاب خدا) بترسانم)؛ «مَا قَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ»(انعام/۳۸)(ما در این کتاب(قرآن کریم) چیزی را ترک ننموده و فرو نگذاشتیم)؛ «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ»(نحل/۸۹)(ما کتاب(قرآن) را بر تو فرود آوردیم برای بیان کردن و آشکار ساختن هر چیز(که مردم در دین و دنیا و آخرت به آن محتاج و نیازمندند).

از این آیات، به خصوص از تعبیری چون «من بلغ»، «العالمین»، «تبیاناً لکل شیء»، عبرت بودن آن برای عاقلان، عدم کاستی در آن(تفریط) و همچنین آیاتی که جهانی بودن(مانند: فرقان/۱) و کتاب هدایت بودن قرآن (مانند: بقره/۲) را بیان می‌کنند، و نیز بنابر نظر تمام مفسرین مسلمان، پیام حجیت قرآن کریم برای همه افراد بشر، بلکه حتی اجنه، از زمان نزول تا روز قیامت و استمرار مفاهیم آیات قرآن در همهٔ ازمنه و امکانه و کامل و تمام بودن آن و برآورنده تمام نیازهای مخاطبینش استنباط می‌شود(طبرسی، ۱۳۶۰)، ج ۶، ص ۵۸۶؛ طبری، ۱۴۱۲)، ج ۱۸، ص ۱۳۶؛ رازی، ۱۴۲۰)، ج ۱۲، ص ۴۹۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۴)، ج ۷، ص ۴۰).

پنجم: تمایز آیات و سور مدنی به ذکر نمازهای پنج گانه

در آیات و سور مکی ذکری از نمازهای پنج گانه نیامده است. نمازهای پنج گانه در مکه دو نماز بود و سه نماز دیگر در مدینه به آنها اضافه شد و سبب آن تأثیرپذیری پیامبر (ص) از یهود در محیط مدینه است (غازی، ۱۴۲۱)، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

پاسخ شبهه:

شبهه فاقد هر گونه اساس نقلی، عقلی، منطقی یا تاریخی است که دلالت بر تصدیق باشد. آنچه به تواتر نقلی مسلم است، شمار نمازهای واجب از آغاز وجود، پنج نماز واجب بوده و آیات و سور مکی قبل از آیات و سور مدنی، (اسرا/۷۸)، (طه/۱۳۰) به آن اشاره کرده و سنت نبوی به تفصیل آن پرداخته و احکام، ارکان و واجبات آن را به دقت تمام روشن کرده است (غازی، ۱۴۲۱)، ص ۱۰۲.

شبهه ششم: تمایز وحی مدنی به تلالو فرهنگ

اسلوب آیات و سور مدنی به ویژگی تلالو فرهنگ و پیشرفت (زرقانی، ۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۷۰؛ ابوشبیه، (بی تا)، ص ۲۱۲. آیات و سور مکی به خشونت و زور از هم متمایز می شود، و این به دلیل تأثیر پذیری محمد (ص) از محیط زندگی است؛ زیرا بر محیط مکه غفلت و نادانی غلبه داشت، اما وقتی که محمد (ص) وارد مدینه شد، تحت تأثیر فرهنگ اهل کتاب قرار گرفت مردم مدینه به دلیل وجود اهل کتاب از محیط مکه فرهنگ عالیتری داشتند (زرقانی، ۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۷۰؛ ابوشبیه، (بی تا)، ص ۲۱۲؛ معرفت، (۱۳۸۷)، تاریخ قرآن، ص ۵۲. این تأثیرپذیری باعث شد آیات و سور مدنی ملایم، مسالمت آمیز و آرام باشد و بدی را به نیکی پاسخ دهد. در حالیکه آیات و سور مکی فاقد این ویژگی ها است (زرقانی، ۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۷۰؛ حکیم، (۱۴۱۷)، ص ۸۲؛ ابوشبیه، (بی تا)، ص ۲۱۲؛ غازی، (۱۴۲۱)، ص ۷۷ و ۸۵) مانند آنچه در این آیات (مسد/۱) (فجر/۱۳) (فجر/۱۴) (تکواثر ۵ و ۶).

پاسخ شبهه:

۱- قرآن کریم به میزان زیادی سخن از فضائل اخلاق زده است. چگونگی ممکن است کتابی که آورنده اصول آداب است و دعوت کننده به فضائل کلام، از آن اصول عدول کند! (غازی، ۱۴۲۱)، ص ۸۶؛ زرقانی، (۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۷۲. قرآن پژوهان بیان مطالب اخلاقی در قرآن کریم را یکی از وجوه اعجاز آن برشمرده اند و آن را کتاب تربیت و اخلاق بیان کرده اند که مطالب تربیتی و اخلاقی ارزشمندش در هیچ کتابی نیامده است (مؤدب، ۱۳۷۹)، ص ۷۴. اسلام دین اخلاق که برای تعالی اخلاق مشتمل بر بهترین سخنان معرفی شده است (مطهری، ۱۳۷۳)، ج ۱، ص ۲۶۶ و ۲۹۵.

۲- در آیات و سور مکی نیز فرهنگ و پیشرفت مشهود است، در این آیات از خداوند، ملائکه، کتب آسمانی، پیامبران، روز قیامت و فضائل و آداب والای انسانی سخن گفته شده است.

۳- خشونت و ویژگی مشترک آیات و سور مکی و مدنی است، هرچند در آیات و سور مکی این ویژگی بیشتر مشهود است، و دلیل شرایط آن و اقتضائاتی بود که دعوت پیامبر (ص) با آن روبرو بود (زرقانی، ۱۴۱۵)، ج ۱، ص ۱۷۰؛ غازی، (۱۴۲۱)، ص ۸۳ و ۸۴. وحی مکی و مدنی به آنچه مفید رحمت و عقاب باشد در یک آن واحد پرداخته است (غازی، ۱۴۲۱)، ص ۱۰۶ و ۱۰۷.

۴- این در حالی است که گفته شده: پیامبر(ص) تا وقتی که در مکه بود آیاتی که نازل می‌شد دستور نرمش و ملاطفت و خشوع را با اهل کتاب و مشرکین می‌داد، اما وقتی که مسلمانان به مدینه مهاجرت کردند اوضاع اجتماعی تغییر کرد، از آن پس، از خضوع و ملاطفت خبری نبود، بلکه جنگ و خشونت نسبت به آنها دیده می‌شد(تاج، ۱۳۸۱، ص ۱۲۷) که در تناقض با این شبهه است.

۵- آیات قرآن کریم دلالت بر نهی از دشنام دارند(حکیم، ۱۴۱۷، ص ۸۴؛ زرقانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۷۲) «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام/۱۰۸) (شما مؤمنان به آنان که غیر خدا را می‌خوانند دشنام مدهید تا مبدا آنها از روی دشمنی و نادانی خدا را دشنام گویند). آیه اشاره به نهی مسلمانان از دشنام نسبت به بت‌های کفار است، زیرا در آن صورت آنان را نیز وادار می‌سازد که حریم مقدس خداوند را مورد هتک قرار دهند(طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۲۲۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۴۳۴).

۶- در سوره عصر، بویی از دشنام نیست و سوره تنها بیان می‌دارد که انسانها دو دسته‌اند: دسته‌ای که از خسران و عذاب نجات یافته و در بهشت خداوند هستند و دسته‌ی دیگر، غرق در خسارت اند و عاقبت آنها هلاکت و عذاب است.

۷- قرآن کریم با توجه به مقتضای حال و مقام سخن گفته است، لحنِ خشن نسبت به کافرین و فاسدان است، همان گونه که لحن آرام و ملایم، نسبت به نیکان و صالحین است. هدف قرآن کریم در هر دو حال اصلاح جامعه‌ی انسانی است و عبارات آن در نهایت گویایی و بلاغت است(زرقانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۷۱؛ حکیم، ۱۴۱۷، ص ۸۲؛ ابوشبیه، بی‌تا، ص ۲۱۳؛ غازی، ۱۴۲۱، ص ۷۷).

۸- شبهه وارد کنندگان از شأن نزول این سوره و آیات آگاه نبوده‌اند(زرقانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۷۳؛ ابوشبیه، بی‌تا، ص ۲۱۴؛ غازی، ۱۴۲۱، ص ۸۷).

۹- سوره‌ی فجر: «فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ» (فجر/۱۳) و «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ» (فجر/۱۴) بیانگر این واقعیت است که عاد و ثمود و فرعون وقتی که در زمین طغیان کرده، به مردم ستم روا داشته و فساد کردند، خداوند عقاب را به جزای ظلم و ستم شان نازل کرد(زرقانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۷۴؛ ابوشبیه، بی‌تا، ص ۲۱۵). بنابراین هدف این گونه آیات انذار فرزندان آدم است تا اینکه سرنوشت این اقوام پند و موعظه‌ای باشد برای هر کس که می‌خواهد مسیر طغیان، استبداد و انکار آنها و کفرشان را در پیش گیرد(غازی، ۱۴۲۱، ص ۸۸ و ۸۹). هدف سوره تکاثر نیز ترغیب مردم به ترک تفاخر به حسب و نسب، اموال و فرزندان و آن چه بی‌فایده و روی آوردن به آن چیزی که دارای منفعت باشد، چون: ایمان و عمل صالح.

۱۰- وعید و انذار تنها اختصاص به آیات و سوره مکی ندارد؛ بلکه این ویژگی مشترک آیات و سوره مکی و مدنی است. همچون آیات بقره ۹۰، ۱۵۹، ۱۷۴؛ آل عمران ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۵۶، ۴۶؛ نساء ۱۶۸ و ۱۶۹، مائده ۷۸، ۷۹، ۸۰ و غیر آنها. همان گونه که روش و اسلوب آرام و گذشت و بخشش اختصاص به آیات و سوره مدنی ندارد و در آیات و سوره مکی نیز مشهود است(همان) مانند: اعراف ۱۹۹؛ شوری ۴۳، ۴۱، ۴۰، حجر ۸۸، زمر ۵۳، یونس ۶۲، ۶۴، ۶۳، انعام ۵۴.

شبهه هفتم: اقتباس قرآن کریم از تورات و انجیل

مطالعات و پژوهش‌های مستشرقین پیرامون قرآن، مبتنی بر عقیده‌ی موهوم غیر وحیانی بودن قرآن و تأثیر پذیری پیامبر(ص) از مسیحیت و یهود است(زید عمر عبد الله بی‌تا، ص ۸ و ۱۱). ولیم مونتگروی وات،

مستشرق بریطانیایی معاصر، بر این نظر است که محمد(ص) تلاش کرده است تا دین اسلام را براساس ادیان قبل از آن بسازد(النعم، ۱۴۲۹)، ص ۴۵، وات از ورقه بن نوفل به عنوان معلم اول پیامبر(ص) یاد می کند(لنعم، ۱۴۲۹)، ص ۲۲۳.

پاسخ شبهه:

۱- در عصر ظهور اسلام، تورات و انجیل به عربی ترجمه نشده بود و پیامبر(ص) دیدارهایی با کشیشان مسیحی و خاخام‌های یهودی نداشت(زمانی، ۱۳۸۷)، ص ۱۴۹.

۲- وجود آیات مشتمل بر لعن یهودیان و تکفیر اهل کتاب و توبیخ آنها، نشانه عدم اقتباس است. و تحدی قرآن با یهود و اهل کتاب، مبنی بر ارائه کتب آسمانی آنها و اثبات تحریف‌های آنان توسط قرآن دال بر ناسازگاری قرآن با برخی متون عهدین آن زمان است نه اقتباس از آنها. از طرفی برخی کشیشان متعصب و معاند ضد اسلام اعتراف کرده‌اند که قرآن اصلاً امکان اقتباس از عهدین ندارد(زمانی، ۱۳۸۷)، ص ۱۴۹.

۱- مشابهت فراوان بین معارف عقیدتی و اخلاقی و فقهی قرآن و تورات و انجیل را میتوان با اقتباس آنها از یک سرچشمه مشترک الهی پاسخ داد به این ترتیب که این شباهت ناشی از آن میشود که سرچشمه این کتب آسمانی یکی است(زمانی، ۱۳۸۷)، ص ۱۴۶.

۶- در این صورت باید این گونه فرض کرد که پیامبر(ص) زبان عبری، سریانی و یونانی را به خوبی می دانسته است و متون تلمود، انجیلها، کتابهای مختلف نیایش و مصوبه‌های شوراهای کلیسا و نیز برخی آثار ادیبان یونانی و کتابهای مختلف کنیسه‌ها و مذاهب مسیحی، را در دسترس داشته‌اند. در حالی که از سوی معاصران مطلبی بیان نشده است که ایشان دارای کتابخانه‌ای بوده و یا زبانی جز زبان عربی را به خوبی می دانسته است(بدوی، ۱۳۸۳)، ص ۳۸.

۷- ناگزیر باید اعتراف کرد که اعراب جاهلیت از این خاورشناسان با وجود فرهنگ گسترده ترشان، دقیقتر و با انصافتر بوده‌اند. با توجه به آیه: «وَقَالُوا أُسْطِرُّوا لَأَوْلَیْنَ اَکْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلِیْ عَلَیْهِ» (فرقان/۵) (و گفتند: افسانه‌های پیشینیان است که آن را نوشته است)، آنها گفتند: «اکتتبها» و نگفتند «کتبها» و تفاوتی بزرگ میان این دو اژه‌است، «اکتتبها» یعنی او از دیگری خواست که آنرا برایش بنویسد(فضل، ۱۳۷۹)، ص ۲۱۷-۲۱۸.

۸- باید بین تأثر از محیط و همگامی با جو حاکم برای تأثیرگذاری در مردم فرق قائل شد. زیرا لازمه تأثیر گذاری بر محیط، ابتدا هماهنگی با آن است و با فرهنگی وارد عرصه شود که با فرهنگ حاکم متباین نباشد تا بستر مناسب برای بیان پیام فراهم شود(معرفت، ۱۳۸۷)، تاریخ قرآن، ص ۵۲.

نتیجه گیری:

مخالفان اسلام از نخستین لحظات نزول قرآن، به دشمنی با آن پرداخته‌اند و همواره در تلاش اند تا قرآن کریم را غیر الهی و ساخته بشر قلمداد کنند که متأثر از ادیان پیشین- یهود و مسیحیت- است. این دیدگاه مستشرقان شبهاتی را متوجه ساحت مقدس قرآن کریم کرده است که اسلوب و محتوای آن هدف این شبهات بی اساس است که تفاوت‌های آیات و سور مکی و مدنی باعث شده مغرضان و دشمنان اسلام از آن در نیل به اهداف سوء خود بهره برده و شبهاتی را بر کتاب مقدس قرآن کریم وارد کرده و آن را به عنوان

کتابی بنگرند که جنبه‌ی الهی و وحیانی ندارد. با دقت و نگاه عمیق به صراحت می‌توان دریافت که این شبهات بر هیچ مبنا و اساسی استوار نیست و چیزی جز این نیست که بگوییم آنچه از اختلاف سبک و محتوا بین مکی و مدنی به چشم می‌خورد، از امتیازات و بیشتر نشانه وحیانی بودن آن است؛ چرا که در همه احوال، به مقتضای حال، فضای موجود در جامعه سخن گفته و در عین حال از نظر ساختار، در اوج فصاحت و بلاغت باقی مانده و از نظر محتوا، طرح منسجمی را از یک دین جامع و برتر فراهم آورده است. پس باید بین تأثیرپذیری از محیط و همگامی با آن برای تأثیرگذاری در مردم فرق قائل شد.

کتابنامه

• قرآن کریم، ترجمه‌ی فیض الاسلام

۱. ابوشهبه، محمد بن محمد، المدخل لدراسة القرآن الکریم، دارالجلیل، بیروت، (بی تا).
۲. حکیم، محمد باقر، علوم القرآن کریم، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۷هـ.
۳. غازی عنایه، شبهات حول القرآن کریم و تنفیدها، بیروت، دارمکتبه الهلال، ۱۴۲۱هـ.
۴. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن کریم، محقق: فواز أحمد زمزلی، نشر دار الکتاب العربی، بیروت، چاپ الأولى، ۱۴۱۵.
۵. زید عمر عبدالله العیص، علم المکی والمدنی فی عیون المستشرقین، زید عمر عبد الله العیص، موقع صید الفوائد.
۶. عبدالله محمد الامین النعیم، الاستشراق فی السیره النبویه، چاپ اول، ۱۴۲۹هـ دارالفکر، دمشق.
۷. محمدعلی رضایی اصفهانی، مبانی نظری مستشرقان در مورد تناقضات قرآن کریم، فصلنامه تخصصی قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۶، سال چهارم، بهار و تابستان ۱۳۸۸ش.
۸. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، چاپ پنجم، تهران، ناشرسمت، ۱۳۸۲.
۹. _____، تفسیر و مفسران، ترجمه: خیاط و نصیری، چاپ اول، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۷۹.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: موسوی همدانی سید محمد باقر، چاپ پنجم، قم، دفترانتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
۱۱. زمانی، محمد حسن، قرآن و مستشرقان، مستشرقان و قرآن: نقد و بررسی آراء مستشرقان درباره قرآن، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش، چاپ دوم.
۱۲. ربیع نتاج، علی اکبر، نقدی بر ادعای تعارض در نصوص قرآن کریم، چاپ اول، بابلسر، ناشر دانشگاه مازندران، ۱۳۸۱ش.
۱۳. گلدزیهر، ایگناس، العقیده و الشریعه فی الاسلام، ترجمه و تعلیق: محمد یوسف موسی، علی حسن عبدالقادر، عبدالعزیز عبدالحق، چاپ دوم، مصر-بغداد، دارالکتب الحدیثه بمصر و مکتبه المثنی ببغداد.
۱۴. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، چاپ نهم، ۱۳۷۳ مکتبه‌الشامله.
۱۵. بحار الأنوار، العلامة المجلسی، تحقیق: الشیخ عبدالزهراء العلوی، ۱۴۰۳، دارالرضا، بیروت-لبنان.
۱۶. عمر بن ابراهیم رضوان، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، چاپ اول، ریاض، ناشر دارالطیبه، ۱۴۱۳.
۱۷. مؤدب، سید رضا، اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت و بیست نفر از علمای بزرگ اسلام، چاپ اول، قم، ناشر: احسن الحدیث، ۱۳۷۹.
۱۸. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، ناشر: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۱۹. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، چاپ اول، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.

۲۰. بدوی، عبدالرحمن، دفاع از قرآن در برابر آرای خاورشناسان، ترجمه: سید حسین سیدی، چاپ اول، مشهد، ناشر: بهنشر، ۱۳۸۳.
۲۱. طبرسی، محمد بن حسن، مجمع البیان فی تفسیرالقرآن، تحقیق رضا ستوده، چاپ اول، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
۲۲. عباس فضل حسن، قرآن کلام حق: قضایای قرآنی در دایرةالمعارف بریتانیا نقد و مطاعن و رد شبهات، ترجمه: سردار شهبابی، چاپ اول، اهواز، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۷۹.